

مفروضات - تأثیر نجوم

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



تأثیر نجوم - مفروضات - اثر حضرت عبدالبهاء - بر اساس

نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

سؤال

آیا این نجوم آسمانیرا در نفوس انسانی تأثیرات معنویه هست یا نه ؟

جواب

بعضی از کواکب آسمانیرا بر کره ارض و کائنات ارضیه تأثیر جسمانی واضح و مشهود احتیاج به بیان نیست . ملاحظه نمائید که آفتاب بعون و عنایت حقّ تربیت کره ارض و جمیع کائنات ارضیه مینماید و اگر ضیا و حرارت آفتاب نبود کائنات ارضیه بکلی معدوم . اما تأثیرات معنویه هر چند این کواکب را تأثیرات معنویه در عالم انسانی بنظر عجیب آید ولی چون در این مسأله تدقیق نمائی چندان تعجب نفرمائی و لکن مقصد این نیست که منجمین سابق احکامی که از حرکات نجوم استنباط نمودند مطابق واقع بود زیرا احکام آن طوائف منجمین سابق ضربی از اوهام بود و موجد آن کاهنان مصریان و آشوریان و کلدانیان بلکه اوهام هندوستان و خرافات یونان و رومان و سائر ستاره پرستان بود . اما مقصد من اینست که این جهان نامتناهی مثل هیکل انسانیت جمیع اجزا بیکدیگر مرتبط در نهایت اتقان متسلسل یعنی اعضا و ارکان و اجزاء هیکل انسان چگونه با یکدیگر ممتزج و متعاون و متعاضد و از یکدیگر متأثر بهمچنین اجزای این کون نامتناهی مانند هیکل انسانی اعضا و اجزایش بیکدیگر مرتبط و از یکدیگر معنائاً و جسمائاً متأثر . مثلاً چشم مشاهده نماید جمیع جسم متأثر گردد سمع استماع کند جمیع



ORIGINAL



AUDIO

ارکان باهتزاز آید و در این مسأله شبهه ای نیست زیرا عالم وجود نیز مانند شخص حی است . پس از این ارتباط که میان اجزاء کائناتست تأثیر و تأثر از لوازم آن چه جسمانی چه معنوی . از برای نفوسی که انکار تأثیرات معنویّه در جسمانیات نمایند این مثل مختصر را ذکر میکنیم و آن اینست که اصوات و الحان بدیعه و آهنگ و آوازهای خوش عرضی است که بر هوا عارض میشود زیرا صوت عبارت از تموّجات هواییّه است و از تموّج هوا اعصاب صماخ گوش متأثر شود استماع حاصل گردد . حال ملاحظه کنید که تموّجات هوا که عرضی از اعراض است و هیچ شمرده شود روح انسانرا بجزب و وله آرد و بنهایت درجه تأثیر بخشد گریان کند خندان کند شاید بدرجه ای آید که بخاطره اندازد پس ملاحظه کنید چه مناسبتی بین روح انسان و تموّج هواست که اهتزاز هوا سبب شود انسانرا از حالی بحالی اندازد و بکلی منقلب نماید بلکه صبر و قرار از برای او نگذارد . ملاحظه کنید که چقدر این قضیه عجیب است زیرا از خواننده چیزی خروج نیابد و در مستمع دخول نماید با وجود این تأثیرات عظیمه روحانیّه حاصل شود پس این ارتباط عظیم کائناترا لابد از تأثیرات و تأثرات معنویّه است چنانکه ذکر شد که چگونه این اعضا و اجزای انسان متأثر و مؤثر در یکدیگرند . مثلاً چشم نظر کند قلب متأثر شود گوش استماع کند روح متأثر شود قلب فارغ شود فکر گشایش یابد و از برای جمیع اعضای انسان حالت خوش حاصل آید ، این چه ارتباطی است این چه مناسباتیست ؟ و چون در اعضای جسمانی انسان که کائنی از کائنات جزئیّه است این ارتباط و این تأثیر و تأثرات معنویّه است البتّه بین این کائنات کلیّه نامتناهیّه نیز ارتباط جسمانی و معنوی هر دو موجود و هر چند بقواعد موجوده و فنون حاضره کشف این روابط نتوان نمود ولی وجود روابط در بین کائنات کلیّه واضح و مسلم است . خلاصه کلام اینست که این کائنات چه کلی و چه جزئی بحکمت بالغه الهیّه مرتبط بیکدیگر است و مؤثر و متأثر از یکدیگر و اگر چنین نبود در نظام عمومی و ترتیبات کلی وجود اختلال و فتور حاصل میشد چون این کائنات در نهایت اتقان مرتبط بیکدیگر است لهذا منتظم و مرتّب و مکملست این مطلب شایان تحقیق است .